

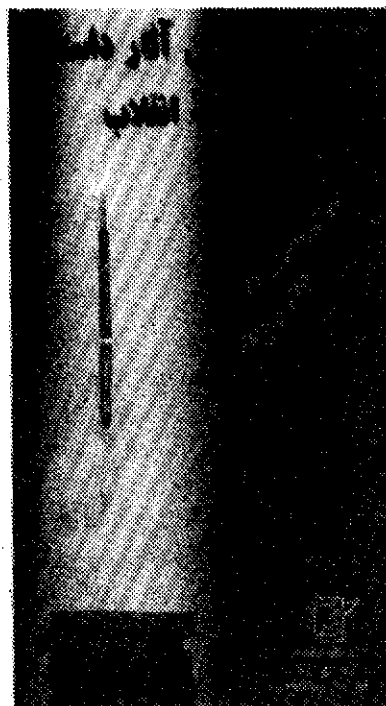


گزارشی از مراسم «انتخاب آثار داستانی بیست ساله انقلاب»

به همراه گفتگویی با کارشناسان ادبیات داستانی

داستانهای منتخب در فضای انقلابی؟

پویان الهیاری



در آخرین روزهای سال ۱۳۷۷ جامعه فرهنگی کشور اطلاع یافت که معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد در صدد معرفی آثار برگزیده ادبیات داستانی دوره بیست ساله انقلاب است. انتشار این خبر بسیاری را به شگفت آورد و به انتظار نشستند تا نتیجه تحول در حوزه ادبیات داستانی را مشاهده کنند.

مدتی شایعاتی بر زبانها بود و هر از گاهی رمانی به عنوان نامزد در افکار عمومی مطرح می شد. اما باید چشم به راه نتیجه داوری مسابقه ای می ماندیم که درباره ادبیات داستانی دو دهه انقلاب به عمل آمده بود.

روز موعود فرا رسید و درهای تالار وحدت گشوده شد. بی صبرانه بر صندلی جای گرفتیم.

با شروع مراسم و تعارفات مرسوم، قاسمعلی فرامست مسئول دفتر ادبیات داستانی و دبیر طرح مذکور، ضمن ارائه گزارشی از این مراسم گفت: «این طرح از یکسال پیش آغاز شد و ۵۶ نفر از منتقدان برجسته کشور بررسی بیش از دو هزار داستان کوتاه و مجموعه داستان و رمان را بر عهده گرفتند».

در ادامه مراسم دکتر عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی سخنانی با تأکید بر نقش نویسندگان در تنویر افکار جامعه گفت: «نویسندگان با آثار خود به زندگی افراد جامعه رونق و تلالو می بخشند». وی در ادامه این مطلب افزود: «همه تلاش ما در این جهت است که نویسندگان در فضایی آرام به آفرینش آثار خود بپردازند و طبیعی است که نظامی که ما در آن زندگی می کنیم، مشخصاتی دارد که این مشخصات بر نویسندگان ما پوشیده نیست».

مهاجرانی ضمن قدردانی از تلاشهای دکتر احمد مسجد جامعی قائم مقام وزارت ارشاد در جهت برگزاری و اجرای طرح مذکور گفت: «من ادعا نمی کنم که همکاران ما و هیأت داوران به طور



ابراهیم حسن بیگی هنگام دریافت دیپلم افتخار بهترین داستان بلند

مطبوعات کشور دعوت کرد تا به معرفی آثار برگزیده بپردازند و ضمن نقد و نشان دادن کاستی ها و نقاط قوت آثار، جشنواره ادبیات داستانی سالهای آینده را رونق بخشند. وی در ادامه این مطلب اظهار امیدواری کرد که «نویسندگان و ناشران با تشکیل انجمن های مختلف ادبی و هنری، خود آثار حوزه ادبیات داستانی را بررسی کنند و بنیانگذار جوایز نویسندگان و ناشران برگزیده باشند».

عطاءالله مهاجرانی در پایان سخنان خود ضمن انتقاد از وضعیت کنونی ادبیات داستانی تصریح کرد: «در سرزمینی که در آن فردوسی و حافظ و سعدی و عطار زیسته اند، شأن ادبیات داستانی ما باید بالاتر از وضعیت کنونی باشد و امیدوارم که در سالهای آتی آثار درخشانتری آفریده شود».

مطلق بهترین آثار را برگزیده اند، چرا که این کار بویژه در ادبیات داستانی بسیار دشوار است». وی در این مورد ضمن اعلام این مطلب که اگر وی عضو هیأت داوران بود، امکان داشت فهرست دیگری را به عنوان برگزیدگان آثار داستانی ارائه می داد، نکته مهم و هدف اساسی از این طرح را آغاز این سنت دانست و تصریح کرد: «هیچ آغازی نمی تواند نقطه کمال باشد».

وی خطاب به نویسندگان و فرهیختگان کشور گفت: «هنرمندان عزیز که اکنون در آن سوی میز هستند، اگر با همه ملاحظات به جای من در این سوی میز نشسته بودند، طبیعی است که ممکن بود در برخی از موارد به ما حق بدهند». وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از منتقدان و

در ادامه مراسم بیانیه هیأت داوران که در آن ملاک انتخاب آثار، تنها خود اثر ذکر شده بود، قرائت شد. در این بیانیه تأکید شده بود که معیار انتخاب آثار خود اثر بوده و شهرت و جایگاه اجتماعی نویسنده مورد توجه قرار نگرفته است. هیأت داوران ویژگیهای مورد توجه در آثار داوران را اسلوب کار، چگونگی شخصیت پردازی، شخصیت‌های داستان، ترسیم و تجسم آرمانها و آرزوها و توجه به فضای بومی عنوان کرد.

در پایان مراسم جوایز آثار برگزیده به صاحبان اثر اهدا شد. در این بخش نویسندگان برگزیده به شرح ذیل جوایز خود را با حضور مسجد جامعه‌ی و فراست از مهاجرانی دریافت کردند.

★ مجموعه داستان:

در این بخش هیأت داوران ضمن تقدیر از اصغر عبداللہی به خاطر کتاب «سایه بانسی از حصیر»، دیپلم افتخار به منیرو روانی پور به خاطر مجموعه «سیر یا سیریا» ناهید طباطبائی به خاطر اثر «حضور آبی مینا»، داود غفارزادگان برای کتاب «ما سه نفر هستیم»، فیروز زوزی جلالی بای مجموعه «مردی با کفش های قهوه‌ای»، محمد محمد علی برای داستان «بازنشستگی»، فرخنده آقایی برای کتاب «راز کوچک» و علی اصغر شیرزادی برای مجموعه «غریبه و افاقیا» و زویا پیرزاد برای کتاب «مثل همه عصرها»، علی موذنی برای کتاب «دلاویزتر از سبز» اهدا شد.

لوح زرین و همچنین دیپلم افتخار به سیمین دانشور برای مجموعه داستان «به کی سلام کنم» و مهدی شجاعی به خاطر «کتاب امروز بشریت» شهریار مدنی پور برای کتاب «مومیای و عسل»، زویا پیرزاد برای «طعم گس خرمالو» و رضا جولانی «جامه به خوناب» اهدا شد.

★ داستان بلند

در بخش داستان بلند نیز هیأت داوران ضمن تقدیر از حسن بنی عامری برای کتاب «گنجشک‌ها بهشت را می فهمند»، دیپلم افتخار را به ابراهیم حسن بیگی برای کتاب «ریشه در اعماق»، احمد دهقان برای کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه»، فتانه حاج سید جوادی برای کتاب «بامداد خمار» و انسیه شاه‌حسینی برای کتاب «توپنچار» اهدا کرد.

در این بخش لوح زرین و دیپلم افتخار نیز به مرحومه غزاله علیزاده برای داستان «خانه ادرسی‌ها»، جمفر مدرس صادقی برای کتاب «گاو خونی»، نادر ابراهیمی برای داستان «آتش بدون دود» اهدا شد.

★ مجموعه آثار:

در این بخش نیز هیأت داوران لوح زرین مجموعه آثار را به محمود دولت‌آبادی و امین فقیری برای مجموعه آثار داستانی در قبل و بعد از انقلاب اهدا کرد.

★★★

انتشار خبر اعطای جایزه به نویسندگان برتر دوره بیست ساله انقلاب سر و صدای بسیاری را در فضای فرهنگی و جامعه مطبوعاتی پدید آورد و موجب شد تا صاحب نظران و نویسندگان به بحث و گفتگو پیرامون این حادثه فرهنگی بپردازند.

آنچه در این عرصه مهم بنظر می‌آید و بیشتر از نکات دیگر توجه محافل ادبی را به خود جلب کرده

بود، نکاتی بود که از چشم برگزار کنندگان این مراسم بدور مانده بود. عده‌ای از صاحب نظران بر کاستی‌های این مراسم اشاره داشتند و بیش از همه به حاکم بودن سلیقه‌های خاص در این عرصه انتقاد کردند. عده‌ای دیگر از اهالی قلم نیز بر این باور بودند که نویسندگان برگزیده به افق‌های فکری خاص تعلق دارند و بین آنها و فضای انقلابی و مردمی کشورمان فاصله بسیار است و نمی‌توانند نماینده ادبیات داستانی سرزمین ما باشند که بیست سال حادثه و جنگ و خون را تجربه کرده و با اتکاء بر واژه شهادت، سرفراز و با قامت افراشته در عرصه جهانی ایستاده است.

شکی نیست که انتخاب آثار کنونی می‌تواند در انگاره‌سازی اهداف بلند مدت فرهنگی کشورمان تأثیر زیادی داشته باشد و جوانان و افرادی که به این وادی رو کرده‌اند را بسوی الگوبرداری از سلیقه‌های خاص سوق دهد.

لذا بر آن شدیم تا با عده‌ای از اهالی قلم و کسانی که در عرصه ادبیات داستانی تنفس می‌کنند، به گفتگو پردازیم. برخی از دوستان حاضر به گفتگو نشدند و سکوت اختیار کردند و عده‌ای دیگر نیز نظر خود را نسبت به این پدیده و زخداد عظیم فرهنگی کشورمان عنوان کردند.

آنچه در پی می‌آید، حاصل گفتگو و نظرخواهی کوتاهی از نویسندگان و افراد نام آشنا در عرصه ادبیات داستانی است.

★★★

روند قصه‌نویسی در ایران قبل و بعد از انقلاب. خانم راضیه تجار (قصه‌نویس) جریان قصه‌نویسی پس از انقلاب را پرشتاب و رو به رشد خوانده و تحولات قصه‌نویسی پس از انقلاب را اینگونه بیان می‌کند: «تحولات این دو دهه در زمینه‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی، دستمایه کار بسیاری از نویسندگان شده است بطوریکه هم از جهت کیفی و هم از لحاظ کمی نمود خود را بجای گذاشته است».

وی بسا اشاره به برگزاری جلسات منظم داستان‌نویسی و نقد داستان و اهمیت این جلسات به عنوان احیا کننده ادبیات داستانی افزود: «این جلسات، داستان‌نویسی را از انحصار عده‌ای خاص درآورد و تمام کسانی که خود را صاحب استعداد و علاقه می‌دیدند توانستند با حضور در این مراکز به مراتبی دست یابند».

خانم تجار ضمن برشمردن مراتب اهمیت جنگ تحمیلی در گشودن درهای جدید بر روی ادبیات داستانی عنوان کرد: «هشت سال جنگ تحمیلی جبهه جدیدی را گشود و ساحت تازه‌ای را نمایان کرد؛ حرکت مردانی که در دل آتش رقصی حلاج‌وار کردند و زنانی که با دستهای خود عزیزانشان را راهی کردند».

وی در ادامه با انتقاد از آنانی که سعی در وارونه جلوه دادن ارزشهای هشت سال دفاع مقدس دارند، گفت: «هرچند که بعضی با حدت و شدت سعی می‌کردند، همه چیز را وارونه جلوه دهند و نبینند و نشنوند و با سکوت خود به انکار برخیزند و با سردی و یأس طوری وانمود کنند که جنگ یعنی چه؟ مقاومت چه معنی دارد؟ و ... اما عده‌ای نیز

☆ مرزگان شیخی: «در زمینه ادبیات داستانی و انتخاب آثار برتر هر ساله شاهد کم توجهی و اعمال نظرهای خاصی هستیم»

☆ شاکری: «ادبیات دفاع مقدس مهجور است و به همت عده‌ای قلیل پابرجاست»

نوشتند و حرمت خون شهیدان را نگهداشتند». وی محتوای ادبیات داستانی پس از انقلاب را به مراتب والاتر و پر ارزشتر از گذشته دانست و در تحلیل کیفی، قصه‌نویسی بعد از انقلاب را اینگونه ارزیابی کرد: «در طول این دو دهه از این اتفاقات خوش و ناخوش در زمینه نویسندگی بسیار است، اما این را با اطمینان می‌توان گفت که به جای مستهجن‌نویسی و سیاه‌اندیشی و پوچ‌گرایی موجود در بیشتر داستانهای قبل از انقلاب، اینک با محتوایی به مراتب بالاتر و پرارزشتر روبرو شده‌ایم. گرچه بعضی از نویسندگان معتقد و جوان ما به علت نبود میاننداری دلسوز، در میانه راه ماندند و با حضور در جلسات یکی دو تن از نویسندگان دگراندیش، مرعوب و ناتمام دور خود چرخیدند و ندانستند که چه باید بکنند و از اینجا مانده و از آنجا رانده به خاموشی گرایدند».

مجتبی شاکری نیز شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی هر دوره را بر رشد و توسعه قصه‌نویسی مؤثر دانست و با اشاره به داستان‌نویسان قبل از انقلاب معتقد است «در رژیم سابق برای بقای نویسندگی، داستان‌نویسان تلاش می‌کردند تا به سمت نظام سیاسی حاکم سوق پیدا کنند».

وی در مقایسه ادبیات قبل و بعد از انقلاب توضیح داد: «در هر انقلابی می‌بایست نظامها که برآیند آنها حکومت را تشکیل می‌دهند، تغییر کنند. اما بعد از انقلاب تعدادی از نظامها تغییر جدی نکرد. از جمله این نظامها عرصه سینما و ادبیات داستانی است که تغییرات اساسی نکرده است».

وی ضمن مطلب بالا اعلام داشت: «سینما در دوران دفاع مقدس با همت برخی از نویسندگان که تعداد اندکی بودند، رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد، اما ادبیات انقلاب و دفاع مقدس مهجور است و به همت عده‌ای قلیل از نویسندگان متعهد پا بر جا مانده است».

مصطفی جمشیدی نیز در یک بررسی و نگاه کلی ادبیات نوین ایران را چکیده‌ای از ادبیات مدرن اروپا عنوان کرد و با بیان و تشریح مثلث «جویس - پروست - کافکا» تأثیر آن را بر ادبیات معاصر اینچنین ارزیابی می‌کند: «در حقیقت جریان رمان‌نویسی در اروپا توسط افرادی نظیر هدایت و جمالزاده و دیگران که برای تحصیل به آنجا رفته بودند، با جریانات ادبی فارسی سازگار شد تا اینکه امروز شاهد ژانر ادبی مستقل قصه کوتاه و رمان هستیم»

وی ضمن اشاره به پیکر بیمار ادبیات داستانی در سالهای گذشته می‌افزاید: «در نگاه کلی بر پیکر ادبیات داستانی ایران درمی‌یابیم که این لباسی که بر قامت ادبیات می‌دوزیم، یک لباس ناشکیل و

دارای خلل و فرج است که از اهم آنها می‌توان به یاس فلسفی هدایت و چوبک و گلستان اشاره کرد».

وی در ادامه ادبیات قبل و بعد از انقلاب را در دنیای متفاوت ارزیابی کرد و در رابطه با ویژگیهای ادبیات بعد از انقلاب، توجه وافر به واقعیت‌های اجتماعی از قبیل جنگ تحمیلی و واژه شهادت را از اهم این ویژگیها ذکر کرد و پیرامون ادبیات معاصر انقلاب گفت: «ادبیات بعد از انقلاب توجه وافری به واقعیت‌های جامعه، بروز رخداد عظیم هشت سال جنگ تحمیلی دارد و هنوز پیکر شهادت را بر دوش می‌کشد و تا این لحظه از تبعات حاشیه‌ای انقلاب دور نشده است، هنوز ترورها و فضای رعب و وحشت وجود دارد. در این شرایط است که نویسندگان بعد از انقلاب شکل می‌گیرند و با نوعی هویت انقلابی، از یاس فلسفی نیز دور می‌شوند».

خانم سمیرا اصلانپور نیز که یکی از کارشناسان در حوزه ادبیات داستانی است، پیرامون این امر اظهار نظر کرده است. وی پس از انتقاد نسبت به بی‌توجهی به جنگ و ارزشهای اسلامی در حوزه قصه‌نویسی، مؤلفه‌های اصلی داستان‌نویسی بعد از انقلاب را اینگونه ذکر می‌کند: «چند مؤلفه اصلی در داستان‌نویسی بعد از انقلاب که باعث تفاوت آن با قصه قبل از انقلاب شده است، عبارتند از: الف) حضور فعالتر افسار مختلف مردم در این عرصه و به عبارت دیگر مردمی شدن داستان‌نویسی ب) حضور وقایع بی‌نظیر و همانندی مثل پیروزی انقلاب و جنگ و ... ج) حضور جوانان د) گسترده‌تر شدن داستان‌نویسی و بیشتر شدن نسبت نویسندگان ه) وجود بیشتر احساسات پاک و کم‌رنگ شدن صحنه‌های غیر اخلاقی و عمیق‌تر و پرمحتواتر شدن داستانها».

برگزاری و داوری

مصطفی جمشیدی پیرامون برگزاری این مراسم ضمن بیان این مطلب که قدرت نویسندگی الزاما قدرت انتقاد را به همراه ندارد، گفت: «مهمترین مسأله موجود در این مراسم نحوه داوری و نوع نگرش، دبیر جشنواره و هیأت داوران است. دبیر جشنواره هر چند که نویسنده متوسطی است اما از لحاظ ارزشهای نقادانه، بیشتر مرعوب نامها و سبقه و پیشینه نویسنده‌هاست».

وی نادیده گرفتن مسایل ایده‌تولوزیکی توسط هیأت داوری و همچنین وزیر ارشاد را از دیگر انتقادات دانست که بر جشنواره وارد است. وی در این زمینه گفت: «آنچه در اعطاء این جوایز مهم بنظر می‌رسد، نادیده گرفتن ایتام ایده‌تولوزی است و ... نادیده گرفتن این مرزهای ایده‌تولوزیک در حقیقت زیر متن و بستر اساسی است که می‌تواند به یک داوری خوب خدشه وارد سازد».

جمشیدی با اشاره به این که وزارت ارشاد طی یک حرکت شتابزده جهت جبران گذشته دست به این کار زده است و با بررسی سطحی آثار بیست ساله دچار غفلت‌های بسیاری شده است، گفت: «ادبیات محصول زمان است. پیکره ادبیات بیست ساله انقلاب هر سال شاهد تلونها و اوج و فرود

نویسندگان مستعدی بوده است. نکته مهم این است که بتوانیم هر ساله نبض این جریان را در دست بگیریم و در دوره‌های کوتاه مدت این افراد را کشف کنیم. چرا که اگر بدین صورت انباشته گردد، با مسأله‌ای مثل امروز روبرو خواهیم شد».

وی در رابطه با گزینشهای انجام شده به تشریح

☆ رهگذر: «یکی از محاسن بزرگ این قبیل گزینشها و معرفیها، که اگر بد عمل شود، خود به بزرگترین معایب تبدیل می‌شود، موضوع الگودهی آن است»

☆ جمشیدی: «آنچه در اعطای جوایز مهم بنظر می‌رسید، نادیده گرفتن ایتام ایده‌تولوزی است»

بعضی از آثار پرداخت. وی پیرامون یکی از آثار معرفی شده عنوان کرد: «نامهایی در این میان وجود داشت که نمی‌توان از آنها صرفنظر کرد. مثلا رمان خانم فتانه حاج سید جوادی که همه منتقدان و حتی بسیاری از روشنفکران آن را خالی از ارزشهای ادبی می‌دانند بنظر من نیز این اثر ذائقه ادبی سالهای گذشته را مختل کرده است و ادبیات ما را به سمت ادبیات مشطحیات و نفسانیات منحرف کرده است. هر چند که این مسایل و نقادها در امر گزینش آثار دخیل نبوده است».

رضا رهگذر نویسنده و عضو هیأت داوران انتخاب کتاب سال در سالهای گذشته نیز عدم توجه داوران به جهان‌بینی نویسندگان برگزیده را در داوری مد نظر قرار داده و معتقد است: «مشکل دیگر در مورد این داوری عدم توجه کافی به درونمایه تعدادی از آثار انتخاب شده و جهان‌بینی و مضمون سیاسی نویسندگان آنهاست، ضمن اینکه در همین مورد هم با نویسندگان همانند، برخوردی یکسان نشده است. ... برخی از نویسندگانی که آثارشان برگزیده شده است نه تنها نقشی حتی در پیروزی انقلاب و یا پایگیری و رشد و شکوفایی آن نداشته‌اند، بلکه بعضا با آثارشان در جهت طرح اشاعه ارزشهای مغایر ارزشهای انقلاب گام برداشته‌اند».

خانم مرگان شیخی نویسنده و مترجم نیز با در نظر گرفتن ابعاد مختلف مسایل فرهنگی برگزاری این مراسم را غیر همسو با اهداف انقلابی دانست و گفت: «در زمینه ادبیات داستانی و انتخاب آثار برتر که هر ساله همزمان با جشنهای دهه فجر برگزار می‌شود، شاهد کم‌توجهی و یا بعضا اعمال نظرهای خاصی هستیم، یا کتابی انتخاب نمی‌شود و یا اگر انتخاب شود، از افراد خاص و تکراری است که مورد توجه برخی از داوران می‌باشند، که چنین انتخابهایی اصلا با اهداف چنین انتخابی همسو نیست».

خانم شیخی در ادامه با انتقاد نسبت به نحوه انتخاب و توزیع آثار در مرحله اول افزود: «امسال

نیز این سناریو در شکل گسترده‌تری اجرا شد. چرا که وقتی اجرای امری به این مهمی و گسترده‌گی، یعنی انتخاب و سپردن کتابها به داوران خاص، توسط افرادی مثل آقای احمد غلامی صورت گیرد، نتیجه کار پیشاپیش معلوم و مشخص است. چنین افرادی که معمولا قادر به حفظ استقلال رأی خود در شرایط مختلف نیستند، به شدت تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرند و در نتیجه با توجه به این تصور که ممکن است با محبوبیت در میان جمع خاصی یا گروههای فکری - عقیدتی متفاوت بتوانند زودتر اقبال عمومی محافل خاص را بدست آورند، حتی ممکن است بطور ادواری مواضع خود را تغییر دهند. با این شرایط نتیجه کار جز این نخواهد بود و نباید تعجب کرد که انتخابها چنین باشد».

مجتبی شاکری نیز در مورد گزینشها و عملکرد هیأت داوری معتقد است که آثار معرفی شده، چهره ادبیات بیست ساله انقلاب نیست‌سوی در این زمینه گفت: «اگر سیر قضایا را دنبال کنیم و داوران مرحله اول و دوم و نهایتا اعمال نظرهای آنان را در نظر بگیریم، براحتی می‌توان دریافت که آثار معرفی شده چهره ادبیات بیست ساله انقلاب نیست بلکه آثار برگزیده چهره حاکم بر هیأت داوری در مرحله نهایی می‌باشد».

وی با اشاره به اینکه تعدادی از داوران در مراحل ابتدایی بدلیل آگاهی از ترکیب نهایی هیأت داوران و گزینش عمل کردن این هیأت، از اظهار نظر خودداری کرده‌اند، گفت: «با این شرایط که عده‌ای متعهد را حذف می‌کنند، نمی‌توان تصور کرد که گزینش همه جانبه انجام شده است. شاید اگر لفظ بیست ساله انقلاب را حذف می‌کردند، ایرادی بر آنها وارد نبود، اما اگر این نام بر آنها هست، پس باید هیأت داوری آئینه‌ای باشد که از تمام آثار و اندیشه‌های انقلاب در آن حضور داشته باشد».

شاکری مرعوب شدن هیأت داوران از فضا سازی‌های برخی از محافل ادبی غیر متعهد را مانع و سدی جهت انتخاب صحیح می‌داند. وی همچنین نسبت به اندیشه برخی از اعضای هیأت داوری انتقاد کرد: «برخی از داوران دارای تعریف درستی از هنر متعهد نیستند؛ هنری که بتواند در مقابل استکبار بایستد و زیر بازوی محرومان و مستضعفان را بگیرد. این افراد تعریفی لائیک و سکولار از هنر دارند».

خانم سمیرا اصلانپور که در موارد متعددی به عنوان داور در انتخاب آثار داستانی در سالهای قبل ایفاء نقش نموده است، با توجه به مشکلاتی که در داوری موجود است، اظهار نظر کرد: «کسانی که مدعی‌اند تمام آثار داستانی را طی بیست سال بعد از انقلاب بررسی کرده‌اند، بهتر است گزارشی از نحوه اجرا و زمانبندی، تعداد افراد و ... را بصورتی مستدل ارائه دهند تا ادعایشان باور پذیرتر باشد».

وی همچنین ضمن انتقاد از برگزار کنندگان مراسم ادامه داد: «چطور می‌شود که تحت چنین الفاظی مراسمی را برگزار کرد و به کسانی جایزه داد که در فکر و عمل و حتی در کلام صراحتا با انقلاب و اسلام مخالفت کرده و می‌کنند و ... اگر بنا بر جدایت است، کاش آقایان چند جایزه هم برای تهیه کنندگان فیلمهایی مثل «بدون دخترم

هرگز» و کتابهایی نظیر «شرم»، «بچه‌های نیمه شب» و «آیات شیطانی» اثر سلمان رشدی معلوم بفرستند. زیرا که آنها هم بنحوی واقعا جذاب (!) به بیان هدف و اعتقاد خود پرداخته‌اند.

خانم راضیه تجار نیز در این رابطه خطاب به هیأت داور و دست‌اندرکاران گفت: «نمی‌توانم رُست شبه روشنفکرانه گرفت و دم از شهادت زد! آنجا که احساس شد خطر کمتری تهدیدشان می‌کند، انتخابها پرنرنگتر شد و ریز و درشت را اعلام کردند و برای خالی نبودن عریضه اسم چند تنی از نویسندگان را هم وارد لیست کردند. البته این هم بستگی به چند اما و اگر داشت.»

انگیزه داوران

شاکری پیرامون انگیزه این گزینشها گفت: «در سخنان وزیر ارشاد اگرهای زیادی وجود داشت. اما این عذر بدتر از گناه است. باید بدانیم که بیست سال از انقلاب می‌گذرد، باید متذکر شویم در طول انقلابی که بیست سال از آن گذشته، معیارها را آزموده‌ایم و لذا نمی‌توان تصور کرد که در نقطه صفر هستیم. باید بدانیم با شناختی که از معیارهایمان بدست آورده‌ایم، می‌توانیم در عرصه‌های بین‌المللی چهره‌ای واقعی از انقلاب را نشان بدهیم. دوستان یا به تسامح و تساهل و یا به تغافل از ارزشها دور شده‌اند.»

وی در این زمینه ضمن یادآوری نامگذاری این سال به نام سال حضرت امام خمینی (ره) به کلام ایشان در صحیفه نور (ج ۲۱-ص ۲۰) اشاره کرد و گفت: «هنر مورد قبول امام، هنر مورد قبول قرآن است. آقایان ببینند که انتخابشان چقدر بر اساس معیارهای امام و قرآن است و پاسخ گویند. اما مطلع باشند که این کلام امام بهترین راهنما جهت گزینش سره از ناسره در ادبیات است.»

خانم سمیرا اصلانپور نیز با تأکید بر آگاهانه بودن این گزینشها خاطر نشان ساخت: «نمی‌توان قبول کرد که انتخاب افرادی که طی بیست سال پس از انقلاب کاری جز مخالفت با اعتقادات اسلامی مردم نداشته‌اند، تصادفی و از روی ناآگاهی است. مطمئناً این حرکت گوشه‌ای از شیخون همه جانبه فرهنگی جهت ریشه‌کن کردن و نابودی تمامی آثار و نتایج این انقلاب است.»

وی در ادامه با انتقاد از اعطاء جایزه به افراد دین ستیز افزود: «در انتخاب کتاب و آثار برگزیده - از آنجا که هنر آمیخته به فکر و اعتقاد است - نمی‌توان تفکر نویسندگان را از اثر جدا کرد. از آنجائیکه انقلاب ما بر اساس اسلام و تفکر انقلابی حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفته است نمی‌توان جایزه این انقلاب را به کسانی دارد که در فکر و عمل با ایشان مخالفت کرده‌اند.»

مصطفی جمشیدی نیز انگیزه هیأت داوران از این گزینشها را سیاسی خواند و گفت: «انگیزه کار در اتمسفر فعلی کشور، متأسفانه جو صحیحی نیست. اکثر رخدادهای اخیر کشورمان تحت تأثیر نوعی بازی سیاسی است. در جو سیاستزده هر حرکت فرهنگی تحت تأثیر آن است.»

وی ادامه داد: «حتی اگر نیت دست‌اندرکاران این جایزه، نیت سالمی بود که جای بحث دارد و

اگر قرار بود واقعا سیاستزده نباشند، چرا اسامی افرادی مثل احمد محمود و گلشیری بخاطر فشارهای سیاسی حذف شد و چرا نویسندگان مسلمان مثل میثاق امیر فجر و دیگران اصلاً به میان نیامدند.»

جمشیدی با یادآوری شرایط تعهد خطاب به نویسندگان غیر متعهد گفت: «با در نظر گرفتن حیثیت نویسندگی، باید بدانیم که نویسنده واجد ارزشهاست. نویسنده ارزشها را ایجاد و ضد ارزشها را محکوم می‌کند.»

وی در ادامه با انتقاد از نویسندگان متعهدی که جایزه را دریافت کردند، گفت: «تعجب من اینجاست که چرا این دوستان که بعضاً نسبت به این گزینشها نیز اعتراض دارند، جرأت پس دادن جایزه را نداشته‌اند، که با این کار می‌توان اعلام موجودیتی به معنای کامل داشت.»

رضا رهگذر نیز در همین راستا و گزینشی عمل کردن حیات داور و انگیزه آنها را سیاسی و تبلیغی ذکر کرد و در توجیه آن گفت: «نمود تبعیض در برخورد با نویسندگان هم در این است که برخی از چهره‌های نامدار و توانای هر دو جناح، حذف

☆ راضیه تجار: «نمی‌توان رُست شبه روشنفکرانه گرفت و دم از شهادت زد»

☆ سمیرا اصلانپور: «از آنجا که امام عزیز ما، ما را با قلبی مطمئن و روحی آرام ترك گفتند، اطمینان دارم که چنین تحركاتی پیش از آنکه به انقلاب لطمه بزنند، به بانیان آن صدمه خواهد زد.»

شده‌اند، در حالی که اگر بنا بر تجلیل از توانایی صرف افراد بود، بایستی از بسیاری دیگر هم تجلیل می‌شد.»

وی همچنین با مقایسه تکنیک و جهان بینی احمد محمضود و محمود دولت‌آبادی، انتخاب دولت‌آبادی را خوش اقبالی او در جهت درز نکردن خیر انتخاب وی دانست و ادامه داد: «احمد محمود دچار بد اقبالی شد و قبل از اعلام رسمی نتایج، موضوع برگزیده شدن آن لورفت و واکنش منفی جامعه را برانگیخت، اما دولت‌آبادی دچار این بد اقبالی نشد.»

رهگذر در تأیید دید مغرضانه و سرشار از تبعیض هیأت داوران خاطر نشان کرد: «راضیه تجار، داریوش عابدی، میثاق امیر فجر و ... چه کم از منیرو روانی‌پور، شهریار مندنی‌پور، ناهید طباطبایی، فتانه حاج سید جواد و ... داشتند، که کمترین تجلیلی از آنها به عمل نیامد.»

پیامدهای احتمالی

خانم اصلانپور پیامد ناشی از این گونه گزینشها را گستاختر شدن دشمنان اسلام قلمداد کرد و در ادامه گفت: «آیا بیست سال پس از

انقلاب باید شاهد این باشیم که خواندن آثاری پر از صحنه‌های غیر اخلاقی و سراسر در ضدیت با دین و مذهب به جوانان پیشنهاد شود؟ آیا این کار فرهنگی ای است که در مقابله با تهاجم و شیخون فرهنگی در حال انجام است؟»

خانم سمیرا اصلانپور در ادامه پایان این قضایا را پایانی خوش پیش‌بینی کرده و گفت: «از آنجا که امام عزیز ما، ما را با قلبی مطمئن و روحی آرام ترك گفتند، اطمینان دارم که چنین تحركاتی بیش از آنکه به انقلاب لطمه بزنند، به بانیان آن صدمه خواهد زد.»

رضا رهگذر نیز که پیامدهای ناشی از این مراسم را پیرامون موضوع الگودهی آن دنبال می‌کرد، گفت: «یکی از محاسن بزرگ این قبیل گزینشها و معرفیها، که اگر بد عمل شود، خود به بزرگترین معایب تبدیل می‌شود، موضوع الگودهی آن است.» وی همچنین ادامه داد: «هر جشنواره از این گونه، با نوع انتخابها یا حذفایش، تلویحاً با سایر نویسندگان می‌گوید که اگر می‌خواهید از شما نیز در آینده تجلیل شود، مثالی مانند این نویسندگان منتخب ما در پیش بگیرید و آثاری اینچنینی پدید آورید.»

خانم راضیه تجار نیز که یکی از ویژگیهای نویسنده متعهد را استواری اندیشه‌اش می‌داند، پیرامون پیامدهای این جریانات معتقد است: «بعد از شوک اولیه، نویسنده واقعی کسی که دغدغه‌اش چیزی است ورای هیاهو و جنجال و نان قرض دادن و سیاسی کاری و ... باز می‌نویسد، باز هم می‌خواند و باز هم دست به خلق می‌زند، چون تکلیف نهایی را ترازی زمان تعیین می‌کند و آنچه به جای می‌ماند، صرفاً ادبیات است.»

مصطفی جمشیدی نیز تأثیرات گزینشی عمل کردن داوران را در عرصه ادبیات بسیار گسترده توصیف کرد و با توجه به اینکه وزارت ارشاد به عنوان متولی مطرح است، از این عمل به عنوان «ظلم» یاد کرد. وی در این زمینه گفت: «بقول معروف ما بچه مسلمانها می‌دانیم که ادبیات و نویسندگی نان و آبی ندارد و فقط بر اساس نیاز فرهنگی است که دست به قلم می‌بریم، حالا اگر با يك ضد انگیزه اینچنینی برخورد کنیم، مثلاً با میثاق امیر فجر که صرفاً نامش برای تفکراتش حذف شد، روبرو شویم، واقعا به این ظلمی که به آنان شده بی‌خواهیم برد.»

وی در ادامه از دست‌اندرکاران خواست تا در حوزه کتاب کودک که قرار است نتایج آن چندی بعد ارائه شود، این قضیه تکرار نشود.

مجتبی شاکری نیز با اظهار تأسف به جهت فاصله گرفتن عده‌ای از اندیشه‌های امام و خسارت‌های غیر قابل جبران آن پیرامون تأثیرات احتمالی این مراسم در روند ادبیات داستانی گفت: «تصمیم هیأت داوران که تحت تأثیر فضا سازی بیگانگان و کج فهمی‌های داخلی از قضایای اجتماعی - فرهنگی - سیاسی بود، نویسندگان را به سمت ملاکهای بریده از تعهد سوق می‌دهد» وی در ادامه گفت: «اگر اسلام و مبارزه با استکبار و صهیونیسم را پذیرفته‌ایم، باید در گزینه‌هایمان اعمال کنیم. نه آنکه معیار را پذیرفته و در عمل نشان ندهیم.»